

مولوتف و ماده ۱۱ قطعنامه شورای ملی!!

امیرفیض- حقوقدان

ایرانیاری که موجب بحث درباره شخصیت حقوقی و روابط مالی شورای به اصطلاح ملی!! و عوارض حقوقی آن گردید، میگوید:

«نوشته شمارادرپاسخ به اعتراض خواندم به قول شمس الدین وکیلی>فلانی هرچه راکه بخواید درسنگرش ثابت میکند< راستش وقتی نوشته شما راجع به پس گرفتن وجوهی که به شورا داده شده را خواندم دردم به خوش باوری شما خندیدم، مگرمیشود پول زبان بسته رادرین دیارازکسی پس گرفت ولی وقتی به بحث تجربه واینکه نسخه حقوقی قابل پیچیدن نیست رسیدم ازپیش داوری خودم قدری خجل شدم.

به پاس آن زمان که من ودوستان سنگرمیهمان آقای جلوه درپاریس بودم این مزاحمت را هم اضافه میکنم.

ماده ۱۱ کذائی

شما بیش ازانتظاربه ماده ۱۱ منشورچسبیده اید بدون اینکه به ماده دیگرمنشورکه استقلال وتمامیت ارضی کشوردرتعهد شورا دانسته است اعتناء کنید. درحالیکه استقلال وتمامیت ارضی کشور هدف منشوراست، چرا باید این چنین ماده ۱۱ وسیله حمله شما به منشوروشورا قرارگیرد؟ ماده ۱۱ قطعنامه هیچ منافاتی با استقلال وتمامیت ارضی کشور ندارد. این حرف من تنها نیست همه میگویند فلانی ماده ۱۱ راگزک کرده است»

یکی ازطرق اثبات موضوعات ارائه شواهد ونمونه هائی است که وجه تشابه بین آن نمونه وموضوع بحث را به یقین و استواری بکشاند، بنده ازهمین طریق برای رفع سوء تعبیرویاتفاهم ایرانیار گرامی و دیگران نسبت به ماده ۱۱ قطعنامه استفاده میکنم.

فکراینکه خودمختاری ایالات ویا تقسیم قدرت مرکزی بین ایالات کشور با استقلال وتمامیت ارضی کشور منافات ندارد تعلق به مولوتف وزیرخارجه استالین دارد، یعنی دولت شوروی درمورد خودمختاری آذربایجان وفرقه دمکرات آنرا به دولت ایران به ریاست قوام السطنه ابلاغ رسمی کرد.

توضیح اینکه درزمان نخست وزیری احمد قوام بسال ۱۳۲۴ ومسنله نفت شمال وفرقه دمکرات مشکلات ومذاکرات سیاسی مفصلی بین دولت ایران وشوروی جریان داشت که جای بازگویی آن اینجانیست.

خواسته دولت شوروی دوچیز بود یکی خودمختاری آذربایجان (فرقه دمکرات) و دیگری امتیاز نفت شمال.

درمورد امتیاز نفت شمال قوام ماده واحده خودداری دولت ایران درمورد امتیاز دادن نفت به خارجیان را مطرح ساخت و گفت که با انتخابات مجدد ممکن است بشود این ماده را نسخ کرد و البته شروع انتخابات هم لازمه اش تخلیه ایران از قوای بیگانه (شوروی) بود.

و اما درمورد خودمختاری آذربایجان قوام طی اعلامیه کتبی خطاب به دولت شوروی و مولوتوف ضمن برشمردن موارد اختلاف و پیشنهاد های خود خاطر نشان ساخت که مسئله خودمختاری آذربایجان با قانون اساسی که نتیجه انقلاب مشروطیت و فداکاری ملت ایران بوجود آمده و تنها سند ملی دوره مشروطه جوان ملت ایران است در تضاد میباشد و هیچ دولتی نمیتواند به آن گردن نهد و به ویژه آنکه اگر به آن گردن نهد و چنین خلافی در یک قسمت از کشور صورت گیرد هیچ ضامنی باقی نخواهد بود که در ایالات دیگر تحریکاتی برای گرفتن نتایج مشابه به وجود نیاید.

قوام در همان اطلاعیه پای فشرده که این به سود هیچیک از دو کشور نخواهد بود. قوام در مقابل، آمادگی خود را برای اعطای امتیازات بیشتری به آذربایجان چون عفو عمومی برای اعضای فرقه دمکرات، انتخابات انجمن ایالتی و ولایتی، واگذاری بودجه محلی و ایجاد تسهیلات مالی و رفاهی برای مردم و توجه به تقاضاهای مشروع اهالی اعلام کرد.

هیچیک از این پیشنهادات قوام با واکنش مثبت مولوتف مواجه نشد و پاسخ مولوتف درمورد نفت (شرح آن مورد استفاده این تحریر نیست) و درمورد تقاضای خودمختاری آذربایجان مولوتف نوشت:

خودمختاری آذربایجان ضرورتاً استقلال و تمامیت ارضی ایران را به خطر نخواهد انداخت و خواستار

آزادی عمل و برسمیت شناختن دولت خودمختار آذربایجان شد

(قوام السطنه مردی که نمیتوان نادیده اش گرفت)

اگر به اسناد حقوقی فرقه دمکرات آذربایجان رجوع کنید ملاحظه خواهید فرمود که همین چیزی که در قطعنامه شورای به اصطلاح ملی! حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آمده در برنامه فرقه دمکرات هم نوشته شده است:

شوروی آن سالها و آمریکای این سالها

در سال ۱۳۲۴ شوروی دنبال تجزیه ایران بود؛ و این سالها آمریکا به دنبال تجزیه ایران و سایر کشورهای خاور میانه است.

در سال ۲۴ دولت شوروی فرقه دمکرات را پراکند و این سالها آمریکا شورای به اصطلاح ملی! را به جریان گذاشته است.

در سال ۲۴ به ندرت روزنامه و یا یک شخصیت سیاسی با خودمختاری فرقه دمکرات مخالفت میکرد و در واقع موضوع فرقه دمکرات تابو شده بود. بیشتر روزنامه ها و در صدر همه روزنامه کیهان از خودمختاری آذربایجان و حتی سایر ایالات کشور هم جانبداری میکردند و حتی ارتش هم از رویارویی با

فرقه چپها ابا داشت و تنها شاهنشاه ایران وازنظامیان ارشد رزم آرا بود که آن تابو را شکستند و چه از مجرای سیاسی و نظامی به غائله دمکرات ها خاتمه دادند.

اکنون همان تابو نسبت به قطعنامه شورای به اصطلاح ملی!! وجود دارد و آنقدر هم فشار و نظارت آمریکا قوی است که فقط ماشین های امضا بکار گرفته شده تا جاده تجزیه ایران را مهیا سازد.

در سال ۲۴ عامل و نیروی واقعی برای مخالفت با تجزیه ایران شاهنشاه ایران بودند و در این سالها متاسفانه نیروی اصلی برای جانداختن طرح تجزیه کشور فرزند همان شاهنشاه ایران است.

در سال ۲۴ دولت آمریکا از استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع میکرد و در این سالها آمریکا شده؛

رهانید از دهان و چنگ گرگی بدیدم عاقبت گرگم توبودی